

176

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

پرونده شماره ۴۳
شعبه یک
حکم شماره ۱-۴۳-۲۵۸

اوایل فیلد آو تکزاس، اینک،
خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،
شرکت ملی نفت ایران،
خوانندگان.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعوى ایران-ایالات متحدہ	
ثبت شد - FILED		
Date	8 OCT 1986	تاریخ
	۱۳۶۵ / ۷ / ۱۶	
No.	43	شماره

حکم

حاضران :

آقای پی. دبلیو. دیویس سوم،

از جانب خواهان :

وکیل خواهان

آقای ج. ام. بالنگی،

نماینده خواهان

آقای محمد کریم اشراق،

از جانب خوانندگان :

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران

آقای اسدالله نوری،

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای عباس هاشمی،

آقای حسین پیران،

دستیاران نماینده رابط

آقای اللهیار موری،

نماینده حقوقی شرکت ملی نفت ایران

آقای صدری،

نماینده فنی شرکت ملی نفت ایران

آقای جان. آر. کروک،

نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا

سایر حاضران :

اول - جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبان ماه ۱۳۵۹) خواهان، اوایل فیلد آوتکزاس، اینک ("اوایل فیلد") دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، شرکت ملی نفت ایران ("شرکت نفت") و شرکت خدمات نفت ایران ("آسکو") نزد دیوان ثبت و ضمن آن پرداخت مبالغی را که حسب ادعا بابت دستگاه های استیجاری و فروخته شده، دستگاه های نابود شده استیجاری و نیز دستگاه های مسترد نشده، تادیه نگردیده، به اضافه بهره مبالغ تادیه نشده و هزینه ها مطالبه نمود. در جلسه استماع مورخ ۲۶ تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۲ (۴ تا ۶ مرداد ماه ۱۳۶۱) راجع به صلاحیت، خواهان ادعای خویش علیه آسکو را، که هیچگاه در دیوان حضور نیافته بود، مسترد داشت.

۲ - به موجب دستور مورخ ۱۵ مارس ۱۹۸۲ (۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰)، ایران و شرکت نفت در ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) "دفاعیه ای مقدماتی" به ثبت رسانده و ضمن آن این مساله را مطرح کردند که آیا دیوان نسبت به ادعاهای ناشی از تعهدات آسکو صلاحیت دارد، یا نه؟ پرونده به دیوان عمومی ارجاع گردید تا به این مساله رسیدگی شود که آیا "دیوان نسبت به ادعاهای مبتنی بر قرارداد فیما بین خواهان و شرکت خدمات نفت ایران صلاحیت دارد، یا ندارد؟"

۳ - به دنبال لوایحی که طرفین در خصوص این موضوع تسلیم کردند، جلسه استماعی در روزهای ۲۶ تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۲ (۴ تا ۶ مرداد ماه ۱۳۶۱) در دیوان عمومی برگزار شد. در ۹ دسامبر ۱۹۸۲ (۱۸ آذر ماه ۱۳۶۱) دیوان عمومی نظر داد که "شرکت نفت جانشین بالفعل حقوق و تعهدات آسکو است و دیوان نسبت به ادعاهای اوایل فیلد صلاحیت دارد، قرار اعدادی شماره ۴۳-۱۰ دیوان عمومی (۹ دسامبر ۱۹۸۲/۱۸ آذر ماه ۱۳۶۱) (که در Iran- U.S. C.T.R. 347 به طبع رسیده است).

۴ - در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۳ شهریور ماه ۱۳۶۲) شرکت نفت لایحه دفاعیه و ادعای متقابل خویش را به ثبت رساند. در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۴ (۳ بهمن ماه ۱۳۶۲) خواهان پاسخی به ادعای متقابل و جوابیه‌ای در مورد لایحه دفاعیه ثبت کرد. در ۲۲ اوت ۱۹۸۴ (۳۱ مرداد ماه ۱۳۶۳)، شرکت نفت جوابیه متقابلی به ثبت رساند. در ۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مرداد ماه ۱۳۶۴) خواهان «یادداشتی در تایید ادعای شماره ۴۳» و یک فقره «پیوست تکمیلی» نزد دیوان ثبت نمود. در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ (۸ آذر ماه ۱۳۶۴)، شرکت نفت «لایحه و مدارک و مستندات معارضی» را به ثبت رساند.

۵ - در ۵ دسامبر ۱۹۸۵ (۱۴ آذر ماه ۱۳۶۴)، شرکت نفت سندی حاوی ارزیابی دستگاه های مصادره شده ادعایی ثبت کرد. از آنجا که سند مزبور خارج از مهلت مجاز به ثبت رسید، دیوان به خواهان اجازه داد که تا تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۸۶ (۲۳ دی ماه ۱۳۶۴) پاسخی به ارزیابی شرکت نفت و نیز به لایحه و مدارک معارض آن ثبت نماید، و یا اینکه توضیح دهد که چرا نمی تواند چنین پاسخی را بموقع به ثبت رساند. دیوان در مورد قبول یا عدم قبول هیچیک از مدارک و پاسخ هایی که با تاخیر به ثبت رسیده بود، تصمیمی اتخاذ ننمود. در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۶ (۲۳ دی ماه ۱۳۶۴) خواهان پاسخی در رابطه با لوایح و مدارکی که شرکت نفت در تاریخهای ۲۹ نوامبر و ۵ دسامبر ۱۹۸۵ (۸ آذر و ۱۴ آذر ماه ۱۳۶۴) ثبت کرده بود، تسلیم نمود.

۶ - استماع بقیه موضوعات پرونده حاضر در روزهای ۲۹ و ۳۰ آوریل ۱۹۸۶ (۹ و ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) برگزار شد. آقای ریچارد ام. ماسک طبق بند ۲ ماده ۱۳ قواعد دیوان و به موجب توافق فیما بین دولتین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در جلسه استماع و نیز در صدور حکم پرونده حاضر شرکت کرد.

۷ - در جلسه استماع نسبت به مدارک و مطالبی که حسب ادعا با تاخیر به ثبت رسیده

بود، اعتراضاتی به عمل آمد. موضع دیوان اینست که ادله و مدارک باید ظرف مهلت های مقرر تسلیم شود و مدارکی که تسلیم آنها ظرف این مهلت ها امکان پذیر بوده، معمولاً در جلسه استماع پذیرفته نمی شوند، مگر آنکه دلایل کافی و موجهی ارائه گردد. دیوان نتیجه می گیرد که مدارک و اسناد تسلیمی شرکت نفت، در حدودی که حاوی ادله و مدارک معارض باشد، و با توجه به اینکه در وضعیت شکلی پرونده حاضر، طرف مقابل فرصت کافی جهت پاسخگویی بدان را داشته، می تواند پذیرفته شود. نتیجتاً، پاسخ خواهان نیز پذیرفته می گردد. لذا، دیوان بر این نظر است که به هیچگونه لایحه پس از استماعی نیاز نیست.

۸ - در جلسه استماع به نمایش اسلاید توسط شرکت نفت نیز، اعتراض شد. در این رابطه، دیوان داوری متذکر می شود که هر وسیله‌ای برای توضیح یا تشریح مدارک تسلیمی قبلی در جلسه استماع، نظیر ادله و مدارک دیگر، اصولاً قابل قبول است، مگر آنکه بدین طریق ادله و مدارک جدیدی ارائه شود. بنابراین، نشان دادن اسلاید نیز تا آنجا که با این موازین منطبق باشد، اصولاً قابل ایراد نیست. در شرایط پرونده حاضر، نیازی به تعیین این مطلب که اسلایدهای نمایش داده شده توسط شرکت نفت کلاً یا بعضاً مدارک جدیدی بوده، یا نبوده، نیست، زیرا دیوان در اتخاذ تصمیم خود بدانها استناد نکرده است.

دوم - واقعیات و اظهارات

۹ - بسیاری از واقعیات و اظهارات پرونده حاضر در قرار اعدادی شماره ۱-۴۳ دیوان عمومی که در فوق بدان اشاره شد، آمده است. در آن قرار، ادعاهای خواهان به شرح زیر تشریح شده است:

"خواهان پرونده یاد شده در بالا، طی قرارداد مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ (۷ اسفند ماه ۱۳۵۳) و متمم ها و اصلاحیه های بعدی منعقد بین خواهان و شرکت خدمات نفت ایران (آسکو) موافقت کرد که تجهیزات خاصی را به آسکو اجاره دهد. این قرارداد اجاره شامل چهار سیستم جلوگیری از فوران نفت ("استاک" - Stack) همراه با تجهیزات مربوطه مورد استفاده در برنامه اکتشاف و حفاری بود که توسط شرکت نفت ایران در مناطق جنوبی ایران اجرا می شد. دستگاه جلوگیری از فوران دستگاهی است که به منظور جلوگیری از فوران کنترل نشده مواد سیال از چاه ساخته شده است.

برطبق شرایط قرارداد اجاره، آسکو ملزم است که در ازای چهار دستگاه جلوگیری از فوران که به وی اجاره داده شده، نرخ روزانه معینی را به خواهان بپردازد. قرارداد اجاره همچنین متضمن اینست که آسکو باید هرگونه زیان یا خسارت وارده به تجهیزات و دستگاه ها در طی مدت اجاره را جبران نموده و در صورت تلف شدن یا از بین رفتن هر واحد از دستگاه ها، اجاره بهای آن را کماکان تا هنگام تحویل یک عوض مناسب و یا تحویل وجوه کافی به خواهان جهت چنین عوضی، به خواهان پرداخت نماید. خواهان اظهار می دارد که یک اسکله هنگامی که تحت اجاره و در تصرف آسکو بود، طی یک حریق ناشی از فوران در تاریخ ۱ اوت ۱۹۷۸ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۷) سوخت و به کلی نابود شد. علاوه بر تجهیزاتی که بدو" توسط خواهان به موجب قرارداد اخیرالذکر به آسکو اجاره داده شده بود، خواهان یک دستگاه جلوگیری از فوران دیگر به آسکو اجاره داد، که بنا به اظهار خواهان، در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۷۸ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۶) به صورت آسیب دیده به وی عودت داده شد. بالاخره، آسکو موافقت کرده بود که مقداری تجهیزات که جهت استفاده در عملیات دستگاه های جلوگیری از فوران توسط خواهان به آسکو اجاره داده شده بود، خریداری نماید. خواهان اظهار می دارد که تجهیزات فوق به آسکو تحویل داده شد، اما آسکو از پرداخت بهای آنها به خواهان، علیرغم درخواستهای مکرر وی، خودداری ورزیده است.

خواهان استدلال می کند که شرکت ملی نفت ایران مسئول تعهدات قراردادی آسکو بوده و یک واحد، سازمان یا موسسه تحت کنترل ایران می باشد. بدینسان، براساس قراردادهای منعقد با آسکو، خواهان پرونده حاضر از شرکت نفت بابت زیانها و مخارج زیر، همراه با بهره آنها، مطالبه خسارت می کند:

(الف) بهای فعلی تجهیزات اجاره داده شده که بنا به ادعای وی طی حریق در ایران نابود شده (ب) اجاره روزانه پرداخت نشده،

از جمله اجاره "استاک" نبود شده دستگاه های جلوگیری از فوران از تاریخ یکم اوت ۱۹۷۸ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۷)، (ج) هزینه متحمل جهت تعمیر خسارت ادعائی وارده به تجهیزات مسترد شده در فوریه ۱۹۷۸، (د) قیمت فعلی تجهیزاتی که، به گفته خواهان، آسکو سفارش داده و دریافت کرده ولی بهای آنرا نپرداخته است و (ه) ارزش فعلی بقیه دستگاه های جلوگیری از فوران که طبق ادعای خواننده مرجوع نشده است. خواهان، ضمن دادخواست خود، بابت این باصطلاح زیانها و مخارج، از دولت ایران مطالبه خسارت می کند.

خوانندگان این نکته را که دولت ایران یا شرکت ملی نفت ایران در قبال تعهدات آسکو مسئول هستند، تکذیب کرده و اظهار می دارند که دیوان داوری مرجع صالح برای رسیدگی به ادعاهای مذکور در فوق نمی باشد.

علاوه بر این ادعاهای مبتنی بر قرارداد، خواهان از شرکت ملی نفت ایران، از جمله، براساس نظریه دارا شدن بناحق، و از دولت ایران، با استناد به این نظریه که دولت ایران حقوق مالکیت اوایل فیلدز در قرارداد اجاره را برخلاف حقوق بین الملل مصادره کرده است، ادعای خسارت می نماید.

۱۰ - پس از بررسی کامل رابطه بین آسکو و شرکت نفت، که شرح آن در بالا رفت، دیوان داوری نظر داد که شرکت نفت جانشین بالفعل آسکو در قرارداد اجاره منعقد با خواهان است.

۱۱ - ادعاهای مشخص خواهان به شرح زیرند: مبلغ ۴۹/۴۸۸،۴۱۷ دلار به اضافه بهره متعلقه بابت اجاره بهای سه دستگاه موجود جلوگیری از فوران، یا در صورتی که ادعای مصادره مطروح توسط خواهان پذیرفته نشود، مبلغ ۲۰/۶۰۳،۷۵۷،۱ دلار به اضافه بهره متعلقه بابت اجاره بها تا پایان ژوئن ۱۹۷۹ (۹ تیر ماه ۱۳۵۸)، مبلغ ۴۵/۷۶۴،۶۳۲ دلار به اضافه بهره متعلقه بابت اجاره بهای یکدستگاه نبود شده، بهره متعلقه به یک صورتحساب به مبلغ ۲۲/۶۵۷،۵۸۲ دلار بابت دستگاه نبود شده (که بهره آن تا آخر نوامبر ۱۹۸۵ (۹ آذر ماه ۱۳۶۴) بنا به اظهار خواهان به ۸۱/۵۴۲،۲۵۰ دلار بالغ می شود)، مبلغ ۸۹/۰۳۳،۱۳ دلار به اضافه بهره متعلقه بابت قصور شرکت نفت در

پرداخت حق الزحمه تعمیرات لازم در مورد یک دستگاه دیگر که در هنگام استفاده آسیب دیده بوده، مبلغ ۱،۴۸۵،۶۹۲ دلار به اضافه بهره متعلقه بابت ضبط سه دستگاه مورد اشاره در اولین ادعای مذکور در فوق. در جلسه استماع، خواهان اظهار داشت که ادعای مربوط به پرداخت اجاره بهای دستگاه معدوم شده و ادعای بهره مبلغ صورتحساب دستگاه یاد شده تا تاریخ دریافت مبلغ بیمه، ممکن است حالت ادعای مضاعف پیدا کنند. خواهان هزینه های داوری و نیز مبلغ معقولی بابت حق الوکاله مطالبه می نماید.

۱۲ - خواهان اظهار می دارد که قرارداد اجاره به طور قانونی و صحیح منعقد شده و وی کلیه تعهداتش را طبق آن قرارداد، انجام داده است. نامبرده خاطر نشان می سازد که دستگاه ها توسط آسکو و شرکت نفت مورد بهره برداری واقع می شد و کاهش اجاره بها در طول مدت اجاره مورد مذاکره قرار می گرفت. خواهان مدعی است که تعهدات مندرج در اجاره نامه تا نیمه دوم سال ۱۹۷۸ که پرداختهای اجاره بها با تاخیر مواجه شد و سرانجام متوقف گردید، ایفاء شد.

۱۳ - قرارداد اجاره مقرر می دارد که "قرارداد مزبور و هرگونه رابطه حقوقی ناشی از آن تابع قوانین انگلیس خواهد بود". خواهان می گوید که یا قانون انگلیس یا قانون ایالات متحده حاکم است.

۱۴ - خواهان ادعای خویش را بر یکی از سه فرضیه زیر مبتنی می سازد: نقض اجاره نامه، مصادره اموال، منجمله نقض عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی فیما بین ایالات متحده و ایران (۱۹۵۵) ("عهدنامه مودت")، و دارا شدن غیر عادلانه.

۱۵ - شرکت نفت اظهار می دارد که خواهان ثابت نکرده که تبعه ایالات متحده است و بنابراین دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعا را ندارد. نامبرده می گوید که قرارداد اجاره

از طریق ارتشاء تحصیل شده و فرد مجازی آنرا امضاء نکرده است. شرکت نفت مضافاً استدلال می نماید که وی، حتی به عنوان جانشین بالفعل نباید مسئول ادعاهای مطروح در این پرونده شناخته شود. شرکت نفت می گوید به علت اوضاع و احوال و شرایط پیرامون اجرای قرارداد اجاره، اجاره بهای مقرر در آن، گزاف بوده است. بعلاوه دستگاه ها ناقص بوده و با تاخیر واصل شدند. شرکت نفت همچنین اظهار می دارد که دستگاه ها مصادره نشده، بلکه به موجب دعوی مطروح در دادگاه ایران، فی الواقع به عنوان وثیقه پرداخت خسارات مورد ادعا در دعوی متقابل ضبط شده است. در جلسه استماع، شرکت نفت استدلال کرد که با اعمال اصل فورس ماژور، وی از هرگونه مسئولیتی مبری است و چنانچه دستگاه ها مصادره شده تلقی گردد، در آنصورت ارزش آنها طبق برآورد شرکت نفت، ۷۱۶،۹۳۵ دلار است.

۱۶ - شرکت نفت مضافاً استدلال می کند که خواهان برخلاف مفاد بیانیه های الجزیره، دعوایی در دادگاههای ایالات متحده مطرح ساخته است.

۱۷ - شرکت نفت بر مبنای این اظهارات، ادعاهای متقابلی به شرح زیر مطرح ساخته است: مبلغ ۹۷۷،۱۳۸/۱۲ دلار بابت مبالغ پرداختی اضافی به خواهان، مبلغ ۲،۴۷۴،۶۹۶ دلار بابت استرداد مبالغ پرداخت شده به نامبرده و خسارات نامشخصی بابت نقض اجارمنامه توسط خواهان و اقامه غیرقانونی دعوی در ایالات متحده.

۱۸ - خواهان ادعاهای مندرج در دعوی متقابل را رد می کند. علاوه بر این، نامبرده دفاعیاتی بر مبنای قاعده مرور زمان، اهمال در مطالبه، اعراض، تأیید بعدی و قاعده ممنوعیت انکار بعد از اقرار، اقامه می نماید. در جلسه استماع، خواهان عمدتاً به اصول اعراض و تأیید بعدی استناد کرد. خواهان همچنین اظهار می دارد که دفاع فورس ماژور بموقع اقامه نگردیده، هرگز در موقع مقتضی مورد استناد واقع نشده و لذا مسموع نمی باشد.

سوم - دلایل حکم

۱ - صلاحیت

۱۹ - خواهان در سال ۱۹۷۳ در ایالت تکزاس تحت عنوان اوایل فیلد رنتال سرویس کامپنی، تاسیس شد. در سال ۱۹۸۰، نام خواهان به اوایل فیلد آو تکزاس، اینک تغییر یافت. ادعای حاضر در سال ۱۹۷۹ به وجود آمد. همانطور که موسسه حسابداران رسمی خواهان تایید کرده، در آن زمان کلیه سهام خواهان متعلق به فیلادلفیا سابرین کورپوریشن (پی اس سی)، یک شرکت ایالت پنسیلوانیا بود. در ۲۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۷ دی ماه ۱۳۵۸)، کلیه سهام خواهان به یک شرکت تابعه تماما "متعلق به پی اس سی، موسوم به اوایل فیلد - دلهور، که یک شرکت ایالت دلهور بوده است، منتقل شد. بدین ترتیب، از ۲۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۷ دی ماه ۱۳۵۸) تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) کلیه سهام خواهان متعلق به اوایل فیلد - دله ور بوده است.

۲۰ - پی اس سی یک شرکت سهامی عام است. سوگندنامه های موجود حاکی است که در کلیه مواقع ذیربطه، متجاوز از ۹۷ درصد سهام واجد حق رای پی اس سی در اختیار سهامدارانی بوده که در ایالات متحده نشانی داشته اند. اظهاریه های نیابت حق رای پی اس سی نشان می دهد که در طول مدت ذیربطه فقط در یک مورد، یک سهامدار مالک بیش از ۵ درصد سهام عادی منتشره پی اس سی بوده است. سهامدار مزبور مالک ۵/۹ درصد سهام یاد شده بود. در سایر مواقع ذیربطه، هیچ سهامداری بیش از ۵ درصد چنین سهامی را در اختیار نداشته است. براساس الزامات مورد عمل دیوان و با توجه به فقد ادله و مدارک معارض، دیوان داوری متقاعد شده است که خواهان تبعه ایالات متحده بوده و ادعاهایی را که در این پرونده مطرح ساخته، از تاریخ بروز آنها تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) به طور مستمر در اختیار داشته است. لذا، به

موجب بیانیه حل و فصل دعاوی دیوان نسبت به خواهان صلاحیت دارد.

۲۱ - بحثی نیست که به موجب بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان نسبت به خواندگان و نیز موضوع ادعا صلاحیت دارد. نظر به اینکه خواهان ادعای مطروح علیه آسکو را در جلسه استماع مربوط به صلاحیت مسترد داشت، از آن زمان ببعد آسکو خوانده پرونده حاضر به شمار نمی رود.

۲۲ - در جلسه استماع، شرکت نفت اظهار داشت که تا قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) که مهلت تعیین شده در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی جهت شمول صلاحیت دیوان بر دعاوی است، بعضی از خواسته ها تقاضا نشده بود و بالنتیجه، این قبیل ادعاها در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده و خارج از صلاحیت دیوان است. اینکه خواسته معینی بطور مشخص مورد مطالبه واقع نشده، موجب نمی شود که ادعاها بدلیل اینکه در تاریخ مورد لزوم پابرجا نبوده اند، از حیطه صلاحیت دیوان خارج گردند. به هر تقدیر، همانطور که در زیر ملاحظه خواهد شد، ادعاهایی که حکم به پرداخت خواسته آنها داده شده، در واقع قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) مطرح شده اند. از این رو، دیوان نسبت به این ادعاها صلاحیت دارد.

۲ - ماهیت دعاوی

الف) اعتبار قرارداد اجاره

۲۳ - دیوان عمومی نظر داده است که شرکت نفت در رابطه با تعهدات مندرج در قرارداد اجاره، جانشین آسکو است. قرارداد اجاره توسط خدمات نفت ایران با مسئولیت

محدود، از جانب آسکو امضا شد. این مطلب که خدمات نفت ایران با مسئولیت محدود، اجازه داشته قرارداد اجاره را به نمایندگی آسکو امضاء کند، طبق تلکسی که آسکو به خواهان مخابره کرده، مورد تایید واقع شده است.

۲۴ - شرکت نفت اظهار می دارد که قرارداد اجاره از طریق ارتشاً و تبانی تحصیل شده و لذا غیرقابل اجراست. در این رابطه، شرکت نفت عمدتاً به نامه‌ای که شخصی بنام آقای دایموند به آسکو نوشته استناد نموده، می گوید که در ازاء شرایط مساعدی که خواهان، حسب ادعاء با پرداخت رشوه ادعائی تحصیل کرد، بعداً تخفیفهایی به آسکو داده شد. شرکت نفت می گوید که مساعد بودن شرایط مندرج در قرارداد اجاره برای خواهان، از جمله مبلغ اجاره بها و سایر اوضاع و احوال، موئید موضع شرکت نفت است مبنی بر اینکه قرارداد اجاره از طریق ارتشاً تحصیل گردیده است.

۲۵ - بار اثبات مطلبی که شرکت نفت در مورد ارتشاً ادعایی در رابطه با قرارداد اجاره مطرح کرده، با خود شرکت نفت است. چنانچه شک و تردید منطقی در این مورد وجود داشته باشد، چنین ادعائی را نمی توان اثبات شده تلقی کرد. نامه آقای دایموند که مورد استناد شرکت نفت است، خالی از ابهام نبوده و شرایط و اوضاع و احوالی که نامه تحت آن نوشته شده، روشن نیست. صحت و اصالت نسخه‌ای از نامه که توسط شرکت نفت تسلیم شده تایید نگردیده و دو نفر از کارکنان خواهان در جلسه استماع پرونده اظهار داشتند که ادعاهائی که شرکت نفت براساس مدلول نامه مطرح ساخته، صحیح نیست. ممکن است این مطلب واقعا صحت داشته باشد که قرارداد اجاره حاوی شرایطی است که عموماً مساعد به حال خواهان است، لیکن این مطلب نیز صحیح است که طبق اظهار خواهان، اگر این وضع با عرف تجاری معمول در اجاره دستگاه های جلوگیری از فوران قابل توجیه نباشد، با توجه به موضع طرفین در هنگام مذاکرات (راجع به قرارداد اجاره) قابل توضیح می باشد، بدین معنی که این قبیل دستگاه ها بطور همزمان دچار

کمبود عرضه در بازار اجاره و مورد تقاضای شدید بوده است. بعلاوه، قرارداد اجاره توسط هیات مدیره آسکو که نمایندگان شرکت نفت نیز در آن عضو بودند، تصویب شد. لذا دیوان نتیجه می گیرد که نه دلیل و مدرک کافی در مورد ارتشاء در رابطه با قرارداد اجاره وجود دارد، و نه آنطور که شرکت نفت مدعی است، اوضاع و احوال توصیف شده در مورد شرایط قرارداد بنحوی است که بتوان قرارداد را یکطرفه، خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی، و لذا غیرقانونی و غیر نافذ دانست.

۲۶ - گذشته از این، حتی اگر تخفیفهای بعدی در اجاره بها قابل انتساب به کشف ارتشاء باشد، از این تخفیفها و نیز از پرداختهای بعدی آسکو و اصلاحیه های بعدی قرارداد اجاره می توان چنین نتیجه گیری کرد که وجود قرارداد اجاره بعداً مورد تایید واقع شده، ولو اینکه تحصیل آن احتمالاً بطریقه نامشروع صورت گرفته باشد. براین اساس، دیوان براین نظر است که قرارداد اجاره، قرارداد نافذی است.

ب) اجرای قرارداد اجاره

۲۷ - شرکت نفت می گوید که در تحویل تجهیزات تاخیر روی داده و دستگاه ها ناقص بوده و به نحو مقرر آزمایش نشده است.

۲۸ - سند و مدرکی حاکی از هرگونه ایراد و اعتراضی به چنین تاخیرها یا نواقص ادعایی در هنگام تحویل دستگاه ها یا در آن حدود و یا بعد از آن، یعنی پیش از جریان رسیدگی حاضر، در دست نیست. دستگاه ها در سال ۱۹۷۵ به کارگزار حمل آسکو تحویل داده شد و اجاره بها بدون هیچگونه اعتراضی تا سال ۱۹۷۹، پرداخت گردید. تنها موردی که آسکو تقاضای تعویض برخی قطعات دستگاه ها را کرد، در آوریل ۱۹۷۶ بود و قطعات توسط خواهان و به هزینه خود وی تعویض شد.

۲۹ - طبق قرارداد اجاره، مسئولیت حمل و نقل دستگاه ها با اجاره کننده بود. بنابراین، با گذاردن دستگاه ها در اختیار کارگزار حمل و نقل آسکو، خواهان تعهدات قراردادی اش را در رابطه با تحویل دستگاه ها، ایفاء نمود. بعلاوه، اجاره کننده مسوول بود که پیش از حمل دستگاه ها آنها را آزمایش کند و مثبت بودن نتایج این آزمایش ها، شرط حمل آنها بود.

۳۰ - براین اساس، دیوان بر مبنای سوابق موجود نتیجه می گیرد که مدارک کافی در تایید این ادعای شرکت نفت که خواهان تعهداتش را طبق قرارداد اجاره ایفاء نکرده، موجود نیست.

ج) دستگاه معدوم شده جلوگیری از فوران

۳۱ - یکی از چهار دستگاه استیجاری جلوگیری از فوران در اوت ۱۹۷۸ در جریان حریق نابود شد. به موجب قرارداد اجاره، در صورت نابود شدن قطعه ای از دستگاه های استیجاری، پرداخت اجاره بها تا هنگام تهیه دستگاه جدیدی بجای آن توسط اجاره کننده، یا تامین وجوه کافی توسط نامبرده بدین منظور، باید ادامه یابد. خواهان هزینه جایگزینی یک دستگاه جدید بجای دستگاه نابود شده را در ژوئن ۱۹۸۲ از شرکت بیمه دریافت کرد. نامبرده اظهار می دارد که بنابراین، وی استحقاق دارد اجاره بهای این دستگاه ها را از تاریخی که هزینه جایگزینی لازم التادیه گردید تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹)، دریافت نماید. خواهان بابت کل اجاره بهای معوقه مبلغ ۶۳۲،۷۶۴/۴۵ دلار ادعا می کند.

۳۲ - در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۶ مهر ماه ۱۳۵۷)، خواهان صورتحسابی به مبلغ ۵۸۲،۶۵۷/۷۲ دلار بابت هزینه جایگزینی دستگاه نابود شده، برای آسکو فرستاد.

خواهان پس از نابود شدن دستگاه هیچگاه صورتحسابی بابت اجاره بهای ماهانه دستگاه مزبور نفرستاد. گرچه در صورتحسابهای مربوط به اجاره بهایی که خواهان برای آسکو فرستاد، اجاره چهار دستگاه تا ماه اوت ۱۹۷۸ مطالبه شده بود، با اینحال از سپتامبر ۱۹۷۸ که یکی از دستگاه ها از بین رفت، صورتحسابها فقط اجاره بهای سه دستگاه بقیه را شامل می شد.

۳۳ - در مارس ۱۹۷۹، خواهان به نماینده شرکت نفت که مدیریت قراردادهای آسکو را برعهده داشت، نوشت که "اجاره بهای موضوع) قرارداد مورد اشاره به شرح فهرست زیر، عقب افتاده است." فهرست مورد اشاره شامل ۵۸۲،۶۵۷/۷۲ دلار بابت خسارت دستگاه نابود شده و اجاره بهای سه دستگاه دیگر بود، ولی اشاره ای به اجاره بهای دستگاه نابود شده در آن فهرست بعمل نیامده بود.

۳۴ - در نامه های بعدی خواهان راجع به درخواست مبالغ لازم التادیه نیز، بهمین نحو هیچگونه اشاره ای به اجاره بهای دستگاه نابود شده، بعمل نیامده است. خواهان اظهار می دارد که ارسال صورتحساب شرط پرداخت نبوده و عدم ارسال صورتحساب این مبالغ نباید به عنوان اعراض از حق تعبیر و تفسیر شود.

۳۵ - گرچه به نظر می رسد که خواهان انتظار داشته پرداخت هزینه جایگزینی دستگاه نابود شده زودتر از آنچه عملاً انجام شد، صورت گیرد، با این حال ظاهراً نامبرده ترجیح داد که در مورد این دستگاه به جای اجاره بها و امکان تهیه دستگاه جدیدی توسط اجاره کننده، مبلغ مشخصی را دریافت نماید. همچنین به نظر می رسد که علی رغم تقاضاهای مشخص جهت مبالغ لازم التادیه، خواهان مکرراً از اشاره به اجاره بهای دستگاه معدوم شده امتناع کرده است. این امر بدان معنی است که خواهان خود را بابت این مبلغ طلبکار نمی دانسته است. در شرایط پرونده حاضر، دیوان نتیجه می گیرد

که خواهان در واقع پس از نابود شدن دستگاه، از هرگونه حقی که احیاناً نسبت به اجاره بهای دستگاه مزبور داشته، صرفنظر کرده است.

۳۶ - در ژوئن ۱۹۸۲، خواهان مبلغ ۵۸۲،۶۵۷/۷۲ دلار بابت عواید بیمه نامه ای که هزینه جایگزینی دستگاه نابود شده را شامل می شد، دریافت کرد. در آن بیمه نامه، از خواهان، آسکو و شرکت نفت به عنوان بیمه گزار نام برده شده بود.

۳۷ - خواهان اظهار می دارد که تاخیر در تحصیل عواید بیمه یا هرگونه پرداختی، قابل انتساب به آسکو و شرکت نفت است و لذا خواهان باید برای مدت تاخیر نسبت به مبلغ ۵۸۲،۶۵۷/۷۲ دلار دریافتی، بهره دریافت نماید.

۳۸ - مع الوصف خواهان سندی امضاء کرده که به شرح زیر مقرر می دارد:

" به شرط قبول مسئولیت توسط کارگزاران بیمه و بیمه گران، ما، شرکت ملی نفت ایران، آسکو و اوپل فیلد رنتال سرویس کامپنی، موافقت می کنیم که مبلغ ۵۸۲،۶۵۷/۷۲ دلار بابت تصفیه کامل و نهائی ادعاهائی که اکنون مطرح ساخته ایم، یا ممکن است در آینده در رابطه با واقعه ای که در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۸ (۸ بهمن ماه ۱۳۵۶) در اهواز شماره ۱۰۱، اتفاق افتاد و ضمن آن دستگاه جلوگیری از فوران نابود شد، مطرح سازیم، بپذیریم.

ما همچنین موافقت می کنیم که به شرط قبول مسئولیت توسط کارگزاران بیمه، پرداخت وجه بیمه به اوپل فیلد رنتال سرویس کامپنی در حکم تصفیه کامل و قطعی ادعا توسط کلیه طرفها می باشد.

۳۹ - دیوان نتیجه می گیرد که با امضای این سند که در آن ذکری از هرگونه ادعای باقیمانده جهت اجاره بهای دستگاه نابود شده یا خسارت تاخیر، بعمل نیامده، خواهان در واقع تأیید کرد که طلبی بابت اجاره بها ندارد (رجوع شود به پاراگراف ۳۵ بالا) و از هرگونه ادعائی که ممکن بود در مورد خسارت بهره بابت هرگونه تاخیر در دریافت مبلغ ۵۸۲،۶۵۷/۷۲ دلار داشته باشد، اعراض نمود.

۴۰ - براین اساس، خواهان استحقاق دریافت غرامت دیگری بابت دستگاه معدوم شده ندارد.

د) ضبط سه دستگاه جلوگیری از فوران

۴۱ - شرکت نفت سه دستگاه موجود جلوگیری از فوران را، علی رغم این واقعیت که خواهان تقاضا کرده بود در صورت عدم پرداخت اجاره بها دستگاههای مزبور مستردشود، نزد خود نگهداشته است. شرکت نفت می گوید که وی حق دارد این دستگاه ها را تا هنگامی که ادعاهای وی علیه خواهان حل و تسویه نشده، در تصرف خود داشته باشد و از ژانویه ۱۹۷۹ به بعد نیز هیچگونه اجاره ای بابت دستگاه ها نپرداخته است. خدمات نفت ایران با مسئولیت محدود، در تلکس مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۱ تیرماه ۱۳۵۸) خود مفاد تلکس مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۲ تیرماه ۱۳۵۸) آسکو به شرکت یاد شده را نقل کرد. در این تلکس آسکو اعلام کرده بود که "دادگاه انقلاب اهواز به شرکت نفت دستور داده است که پرداخت هرگونه وجهی (به اوایل فیلد) را تا اطلاع ثانوی متوقف سازد. لازم است جهت پیگیری و حل موضوعات مورد اختلاف وکیلی را معرفی نمایید". شرکت نفت در پاسخ به سئوالات مطروح در جلسه استماع، تأیید کرد که دستور یاد شده دادگاه، شرکت نفت را نه تنها از پرداخت اجاره بها، بلکه همچنین از استرداد دستگاه ها به اوایل فیلد ممنوع می ساخت. در مورد دستور دادگاه خواهان هرگز اطلاعیه دیگری غیر از آنچه که در تلکس خدمات نفت ایران با مسئولیت محدود منعکس بود، دریافت نکرد. به ویژه، هیچگونه مدرکی حاکی از احضار وی به دادگاه اهواز موجود نیست و هیچگونه سندی هم از جانب آن دادگاه به وی ابلاغ نشده است.

۴۲ - این مطلب در حقوق بین الملل کاملاً پذیرفته شده که تصمیم دادگاهی مبنی بر محروم ساختن فردی از استفاده و منافع اموالش می تواند در حکم صادره چنین مالی

تلقى شود و چنین عملی قابل انتساب به دولت متبوع آن دادگاه می باشد. همانطور که کمیسیون حل اختلاف فرانسه - ایتالیا در رای شماره ۱۳۶ مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۲ (۴ تیرماه ۱۳۳۱) خود راجع به اموال ایتالیا در تونس نظر داد:

"حکم یک مرجع قضائی، درست مثل قوانین مصوب دستگاه قانونگذاری و یا تصمیمات متخذه توسط مقامات اجرائی، از یک ارگان دولتی صادر می شود. عدم رعایت یک قاعده بین المللی از جانب یک دادگاه، موجد مسئولیت بین المللی برای دولت متبوع چنین دادگاهی است، حتی اگر دادگاه یاد شده یک قانون داخلی را که خود منطبق با حقوق بین الملل است، اعمال کرده باشد" (۱)

(۱)

RIAA, Vol. XIII, 390, 438, with further references

همچنین بعنوان نمونه رجوع شود به:

R. Bindschedler, La protection de la propriete privee en droit international public, R.d.C., Vol. 90 (1956 II) 179, 213; G.A. Christenson, The Doctrine of Attribution in State Responsibility, in: R.B. Lillich (ed.), International Law of State Responsibility for Injuries to Aliens (1983) 321, 331.

همچنین رجوع شود به ماده ۶ بخش ۱

Draft on State Responsibility by the International Law Commission.

"اقدام یک ارگان دولتی، خواه آن ارگان جزو حکومت محلی، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه یا نظایر آن باشد و وظایف آن خلصتاً بین المللی باشد یا داخلی، و قطع نظر از اینکه در کجای سلسله مراتب سازمان دولت واقع شده باشد، اقدام آن دولت محسوب خواهد شد."

ILC-Yearbook 1980, Vol.II, Part Two, p.31.

۴۳ - مداخله در استفاده از سه دستگاه جلوگیری از فوران، به واسطه دستور دادگاه اهواز، در حکم ضبط این دستگاه ها است. نماینده شرکت نفت صریحا اظهار داشت که به واسطه دستور دادگاه اهواز از ادامه پرداخت وجه یا اعاده دستگاه ها ممنوع بوده است. نماینده دولت (ایران) به این مطلب اعتراضی نکرد. دستور دادگاه صرفا اثر موقت نداشته، بلکه بطوری که نگهداشتن دائمی دستگاه ها توسط شرکت نفت مدلل می سازد، در حکم محرومیت دائمی از استفاده از آنها بود. در این اوضاع و احوال، و با در نظر گرفتن عدم امکان خواهان به اعتراض به دستور دادگاه در ایران، ضبط سه دستگاه جلوگیری از فوران که دولت مسئول آنست، واقع شده است. نتیجه گرفته می شود که تاریخ ضبط به شرحی که در تلکس خدمات نفت به خواهان آمده، حداقل اوایل ژوئیه ۱۹۷۹ می باشد. بالنتیجه، بابت این سلب مالکیت باید غرامتی معادل ارزش کامل دستگاه ها به خواهان پرداخت شود. برای مثال رجوع شود به: سدکو، اینک و شرکت ملی نفت ایران، قرار اعدادی شماره ۳ - ۱۲۹ - ۵۹ (۲۷ مارس ۱۹۸۶/۷ فروردین ماه ۱۳۶۵)، فلیس داج کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲ - ۹۹ - ۲۱۷ (۱۹ مارس ۱۹۸۶/۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۴). خواهان اظهار می دارد که استحقاق دارد قیمت جایگزینی سه دستگاه را دریافت کند. نظر دیوان اینست که هزینه جایگزینی، در اوضاع و احوال پرونده حاضر، ضابطه مناسبی برای تعیین ارزش دستگاه ها است.

۴۴ - این موضوع که آیا دستگاه های مورد اختلاف مستعمل بوده یا نه، مساله تعیین کننده ای در مورد ارزش آنها نیست. بالعکس، همانطور که خواهان ارزش تعویض آنها را خواستار است و استحقاق دریافت آنها نیز دارد، آنچه که باید تعیین شود مبلغی است که نامبرده برای جایگزین ساختن سه دستگاه مورد اجاره و تحت تصرف شرکت نفت، برمبنای شرایط بازار این قبیل دستگاه ها در آن هنگام باید متحمل می شد. ادله و مدارک حاکیست که از آغاز ژوئیه ۱۹۷۹ برای دستگاه های مورد بحث تقاضای شدیدی وجود داشته و دستگاه های جدیدی جهت جایگزینی آنها، از نوعی که در قرارداد، کرایه

داده شده بود، به آسانی یافت نمی شد. ادله و مدارک حاکمیت که در سال ۱۹۷۹ برای تهیه یک دستگاه جدید جلوگیری از فوران، ۱۸ ماه وقت لازم بود. علاوه بر این، همانطور که قرارداد اجاره نشان می دهد، اجاره دستگاه های مزبور، ممر در آمد قابل ملاحظه ای بود.

۴۵ - ارزیابی تسلیمی شرکت نفت مبتنی بر این فرض بوده که دستگاه ها معیوب بوده است، لکن مدارک تسلیمی موید این فرض نیست. قطع نظر از این فرض، ارزیابی شرکت نفت تفاوت چندانی با ارزیابی تسلیمی توسط خواهان ندارد. علاوه بر این، عواید بیمه دستگاه معدوم شده مبلغ قابل توجهی بوده که کم و بیش با ارقام تسلیمی خواهان مطابقت می کند. بر اساس مراتب پیش گفته، دیوان بر این نظر است که در آغاز ژوئیه ۱۹۷۹، ارزش سه دستگاه مزبور که توسط شرکت نفت ضبط شده ۱،۴۸۵،۶۹۲ دلار بوده و خواهان استحقاق دریافت این مبلغ را دارد.

ه) اجاره بهای سه دستگاه موجود جلوگیری از فوران

۴۶ - پس از ماه دسامبر ۱۹۷۸، نه آسکو و نه شرکت نفت بابت هیچ ماهی اجاره سه دستگاه موجود را که طبق قرارداد، کرایه داده شده بود، نپرداختند. قرارداد اجاره کماکان به قوت خود باقی بود. قرارداد مشخصاً مقرر می دارد که حتی در صورت فسخ قرارداد، اجاره تجهیزات باید تا هنگام استرداد آنها پرداخت شود. قرارداد همچنین مقرر می نماید که اجاره بها چه با ادعای متقابل و چه به طرق دیگر، قابل تهاتر نیست. چنانچه ادعائی که خواهان بر مبنای صادره مطرح کرده پذیرفته شود، خواهان اجاره بهای دوره ژانویه تا پایان ژوئن ۱۹۷۹ (۹ تیرماه ۱۳۵۸) را که طبق محاسبه وی به ۴۱۷،۴۸۸/۴۹ دلار بالغ می شود، مطالبه می کند. دلیل مورد استناد شرکت نفت برای عدم پرداخت اجاره، دستور دادگاه اهواز مبنی بر عدم پرداخت است. این دستور

نی تواند به عنوان دلیل عدم پرداخت اجاره ماهانه تا آخر ژوئن ۱۹۷۹ مورد استناد قرار گیرد، زیرا که آن دستور قبل از تاریخ مزبور صادر نشده بود. بعلاوه، در هیچ زمانی پیش از استماع پرونده، شرکت نفت به فورس ماژور استناد نکرده و هیچ دلیل و مدرکی از هرگونه اوضاع و احوالی که مانع از پرداخت بوده باشد، وجود ندارد.

۴۷ - دیوان نتیجه می گیرد که خواهان استحقاق دارد مبلغ ۴۱۷،۴۸۸/۴۹ دلار بابت اجاره بهای پرداخت نشده سه دستگاه موجود جلوگیری از فوران، برای دوره ژانویه ۱۹۷۹ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ (۹ تیرماه ۱۳۵۸)، که تاریخی است که بنظر دیوان دستگاه هامصادره شده، دریافت نماید.

و) هزینه^۶ تعمیر

۴۸ - طبق قرارداد اجاره، اجاره کننده می بایست هزینه «کلیه تعمیرات دستگاه ها»، غیر از تعمیرات ناشی از فرسایش عادی در اثر استفاده از آنها را بپردازد. در ۱۵ فوریه ۱۹۷۸ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۶) آسکو برخی تجهیزات را برای تعمیر پاره ای خرابیها به خواهان عودت داد. خواهان به آسکو اطلاع داد که انجام تعمیرات ضروری است و صورتحساب آنها ارسال خواهد شد. در ۳۰ اکتبر ۱۹۷۸ (۸ آبان ماه ۱۳۵۷) صورتحسابی به مبلغ ۱۳،۰۳۳/۸۹ دلار بابت تعمیرات و هزینه حمل ارسال گردید. مدرکی حاکی از اینکه این صورتحساب مورد اعتراض واقع یا پرداخت شده باشد، وجود ندارد. شرکت نفت اظهار می دارد که تسلیم گواهی آزمایش طرز کار ضروری بوده و مدعی است که بدون چنین گواهی‌ای، وی مسئول پرداخت هزینه های تعمیر نیست. لیکن، طبق قرارداد تسلیم گواهی آزمایش طرز کار الزامی نبوده است. از اینرو، خواهان استحقاق دریافت مبلغ ۱۳،۰۳۳/۸۹ دلار مندرج در صورتحساب را دارد.

ز) بهره

۴۹ - خواهان بابت مبالغ مورد ادعاء بهره ای به نرخ ۱۲ درصد مطالبه می کند. شرکت نفت استدلال می کند که خواهان حق ندارد بابت اجاره بها بیش از ۹ درصد بهره مطالبه نماید. نرخ مزبور، نرخ مصرح در فهرست (اجاره) بهائی است که خواهان سابقاً منتشر ساخته بود. لکن فهرست اجاره بهای سابقاً منتشر شده در قرارداد اجاره گنجانده نشده است. بالنتیجه، خواهان طبق رویه ای که دیوان اتخاذ و در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵/۶ تیرماه ۱۳۶۴) اعمال نموده، استحقاق دارد نسبت به کلیه مبالغ مورد ادعا بهره دریافت نماید. در مورد نرخ بهره، در صورت عدم تصریح نرخ بهره در قرارداد، رویه دیوان اینست که نرخ بهره را بر مبنای مبلغی محاسبه می کند که محکوم له چنانچه وجوه را در اختیار داشته و آنرا در نوعی سرمایه گذاری تجاری معمول در کشور خود به کار می انداخت، به آن میزان عاید وی می شد. سپرده های شش ماهه در ایالات متحده یک چنین سرمایه گذاری است که نرخ متوسط بهره آنها را می توان از منابع رسمی و موثق بدست آورد.

۵۰ - مدت ذیربط برای ادعای سلب مالکیت از اول ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۰ تیرماه ۱۳۵۸) و برای ادعای اجاره بها، یکماه پس از آغاز هر مدت اجاره، که اولین آن اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) است، و برای ادعای هزینه تعمیر از اول دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ آذرماه ۱۳۵۷) شروع می شود. متوسط نرخ های بهره پرداختی به سپرده های شش ماهه از تاریخهای مذکور لغایت تاریخ این حکم، تقریباً ۱۱ تا ۱۱/۲۵ درصد بوده و دیوان نیز این دو نرخ را در مورد ادعاهای مختلف این پرونده اعمال می کند.

۳ - ادعاهای متقابل

الف) اضافه پرداختها

۵۱ - شرکت نفت ادعاهای متقابلی جهت استرداد مبلغی متجاوز از ۳،۴۵۰،۰۰۰ دلار بابت اضافه پرداختهائی که حسب ادعا به علت تاخیر در تحویل و نقص تجهیزات، انجام داده، مطرح می کند. باتوجه به یافته های دیوان در مورد نحوه اجرای قرارداد توسط خواهان که در بالا شرح داده شده، این ادعاهای متقابل نمی توانند پذیرفته گردند.

ب) دعوای خواهان در ایالات متحده

۵۲ - در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۸۱ (۱۵ خردادماه ۱۳۶۰) خواهان در دادگاه منطقه ای ایالات متحده در ناحیه کلمبیا، بابت ادعاهائی که اساساً مشابه ادعاهای مطروح در این پرونده است، علیه شرکت نفت اقامه دعوی کرد. شرکت نفت تقاضا دارد که خواهان ملزم به استرداد این دعوی شود. خواهان می گوید که دعوی به حالت تعلیق درآمده و در صورتیکه ادعای وی نزد دیوان پذیرفته شود، وی آنرا مسترد خواهد نمود.

۵۳ - جمله دوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوای مقرر می دارد که ادعاهای ارجاعی به دیوان، "ازتاریخ ثبت نزد دیوان از صلاحیت دادگاههای ایران یا ایالات متحده یا هر دادگاه دیگری خارج خواهد بود". رجوع شونده: ئی - سیستمز اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، قرار موقت شماره ۳۸۸ - ۱۳ دیوان عمومی (۴ فوریه ۱۵/۱۹۸۳ بهمن ماه ۱۳۶۱). دیوان داوری در حکم حاضر نظر داده است که نسبت به ادعاهای خواهان صلاحیت دارد. این ادعاها اساساً مشابه ادعاهائی است که در دادگاه منطقه ای ایالات متحده مطرح شده است. تاثیر احراز صلاحیت توسط دیوان براین ادعاها

اینست که از ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۰) که خواهان ادعایش را نزد دیوان به ثبت رساند، دادگاه منطقه ای ایالات متحده باید نسبت به دعوای مطروح توسط خواهان در ۵ ژوئن ۱۹۸۱ (۱۵ خردادماه ۱۳۶۰) فاقد صلاحیت شناخته شود. باتوجه به این پیامد قضائی روشن بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوای، نیازی نیست که دیوان دستور دیگری در رابطه با دعوای مطروح در دادگاه منطقه ای ایالات متحده صادر نماید. رجوع شونده: کوئستک، اینک و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ۴۱ (انگلیسی) (۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵/۳ مهرماه ۱۳۶۴).

۵۴ - این تصمیم تاثیری در ادعای مطروح توسط جمهوری اسلامی ایران در پرونده شماره الف/۱۵ (بخش چهارم: د) ندارد. در ادعای مزبور جمهوری اسلامی مدعی است که دولت ایالات متحده با صدور اجازه طرح دعوای در دادگاههای ایالات متحده، به منظور جلوگیری از شمول مرور زمان، مرتکب نقض اصل کلی (ب) بیانیه عمومی و بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوای شده است.

۴ - هزینه ها

۵۵ - خواهان طالب استرداد هزینه ها و حق الزحمه هائی است که طبق برآورد وی به حدود ۲۸۰،۰۰۰ دلار بالغ می شود. باتوجه به موازین و ضوابط مشروح در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸، صفحات ۳۸ - ۳۵ (انگلیسی) (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵/۶ تیرماه ۱۳۶۴) و با در نظر گرفتن نتیجه این پرونده، دیوان داوری براین نظر است که مبلغ ۲۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه ها باید به نفع خواهان حکم داده شود.

چهارم - حکم

۵۶ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

الف) خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ یک میلیون و چهارصد و هشتاد و پنج هزار و ششصد و نود و دو دلار آمریکا (۱،۴۸۵،۶۹۲ دلار آمریکا)، به اضافه بهره ساده به نرخ ۱۱/۲۵ درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۲ تیرماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی به بانک امین می دهد، به خواهان، اوپل فیلد آو تکزاس، اینک بپردازد.

ب) خواننده، شرکت ملی نفت ایران متعهد است مبلغ چهار صد و سی هزار و پانصد و بیست و دو دلار و سی و هشت سنت (۴۳۰،۵۲۲/۳۸ دلار آمریکا)، به اضافه بهره ساده به نرخهای سالانه زیر (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخهای یاد شده در زیر، تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی به بانک امین می دهد، به اوپل فیلد آو تکزاس، اینک بپردازد:

یک) ۱۱ درصد نسبت به مبلغ ۷۱،۵۰۳/۵۳ دلار از تاریخ اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷)

دو) ۱۱/۲۵ درصد نسبت به مبلغ ۶۴،۵۸۳/۹۶ دلار از تاریخ اول مارس ۱۹۷۹ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۷)

سه) ۱۱/۲۵ درصد نسبت به مبلغ ۷۱،۵۰۳/۵۳ دلار از تاریخ اول آوریل ۱۹۷۹ (۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸)

چهار) ۱۱/۲۵ درصد نسبت به مبلغ ۶۹،۱۹۶/۹۷ دلار از تاریخ اول مه ۱۹۷۹ (۱۱

اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)

پنج) ۱۱/۲۵ درصد نسبت به مبلغ ۷۱،۵۰۳/۵۳ دلار از تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱)
خردادماه ۱۳۵۸)

شش) ۱۱/۲۵ درصد نسبت به مبلغ ۶۹،۱۹۶/۹۷ دلار از تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۰)
تیرماه ۱۳۵۸) و

هفت) ۱۱ درصد نسبت به مبلغ ۱۳،۰۳۳/۸۹ دلار از تاریخ اول دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰)
آذرماه ۱۳۵۷).

ج) خواندگان، دولت جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی نفت ایران متعهدند مبلغ بیست و پنج هزار دلار آمریکا (۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا) بابت هزینه های داوری به خواهان، اوایل فیلد آو تکزاس، اینک بپردازند.

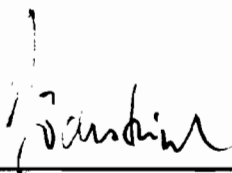
د) تعهدات مذکور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایفاء خواهد شد.

ه) در رابطه با درخواست شرکت نفت از دیوان مبنی بر دستور به اوایل فیلد آو تکزاس، اینک جهت استرداد دعوی مطروح علیه شرکت نفت در دادگاه منطقه ای ایالات متحده، ناحیه کلمبیا، نظر دیوان داوری اینست که طبق شرایط بیانیه حل و فصل دعوی، ادعاهائی که دیوان نسبت به آنها احراز صلاحیت کرده، از تاریخ ثبت آنها نزد دیوان، از حیطه صلاحیت دادگاه یاد شده در بالا یا هر دادگاه دیگری خارج بوده و خواهد بود.

و) بقیه ادعاها و ادعاهای متقابل مردود شناخته می شوند.

ز) بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می شود.

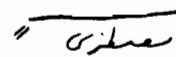
لاهور، بتاریخ ۸ اکتبر ۱۹۸۶ برابر با ۱۶ مهرماه ۱۳۶۵ء



کارل - هاینس بوکشتینگل

رئیس شعبه یک

بنام خدا

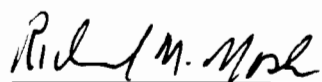


محسن مصطفوی

مخالف در بخشی از حکم و

موافق در بخشی دیگر.

رجوع شود به نظر جداگانه.



ریچارد ام. ماسک

موافق